



عکس: نقیذ هاشمی

■ در این مدت بسیار به فیلم برجسب خورده و از جناحین مختلف به آن حمله شده. با تجربه‌ای که در سینما دارم می‌دانم نگاه از این زاویه به چنین قصه‌ای نمی‌تواند «سفارشی» باشد. یعنی وقتی ارکان با نهادی پول می‌دهد، دست فیلمساز را برای چنین نقطه‌نظری که شما آن را ساخته‌اید، باز نمی‌گذارد.

آبیاز: این فیلم ساخته نمی‌شد جز به یاری مردم بلوچستان. در طول ساخت مردم بلوچستان بسیار کمک‌مان کردند. موضوع را می‌دانستند و معتقد بودند که استان از این موضوع رنج می‌برد. برای ساخت این فیلم نتوانستیم از جایی کمک بگیریم. با توجه به پروداکشنی که فیلم داشت، ما نتوانستیم حتی یک فشنگ از جایی تهیه کنیم و در شهرک دفاع مقدس نیز قادر به کار نبودیم. این بود که در بین مردم بومی رفتیم و آنها به ما کمک کردند و واقعاً از آنها ممنونیم. در ساختن «شبی که ماه کامل شد» بلوچستان پشت‌مان ایستاد.

■ فیلم در سیستان و بلوچستان به نمایش درمی‌آید؟ پدم است که در جشنواره هم به مشکل خورد.

آبیاز: زمان جشنواره که این موضوع دست ما نبود. من خودم یزدی هستم و فیلم «نفس» را در یزد ساختم اما هر چه تلاش کردم تا فیلم در دوران جشنواره در یزد پخش شود، ممکن نشد. درباره «شبی که...» مشکلی برای نمایش در آن منطقه وجود ندارد و قرار است نمایش عمومی فیلم همین هفته‌ها در آنجا نیز آغاز شود.

■ به نظر می‌رسد آدم‌های آن منطقه با موضوع فیلم همراه‌تر باشند و نگرانی‌ای از این بابت وجود ندارد.

آبیاز: یکی از افراد محلی که فیلم را تماشا کرد، گفت که این درد دل هشتاد درصد مردم این ناحیه است. در واقع آنها نیز معتقدند که از این موضوع رنج می‌برند.

شکیبا: من خودم کرد هستم و می‌فهمم این محرومیت یعنی چه. چیزی که تو می‌دانی نباید باشد ولی حضور دارد. اما زمانی که در کنارشان قرار می‌گیری متوجه می‌شوی تا چه اندازه انسانیت در وجود تگتک‌شان است و به ما بسیار لطف داشتند. من بعد از فیلم دلتنگ آنها شدم.

■ معتقدم فارغ از همه این برجسب‌ها فیلم خوب می‌ماند و جایگاهش را در تاریخ سینما پیدا می‌کند و فیلم بعد به دست فراموشی سپرده می‌شود.

«شبی که ماه کامل شد» نه در مقیاس سینمای ایران، که در اندازه‌های جهانی یک فیلم کامل است و مردم هم با دیدن این فیلم جدی و بلند که معمولاً می‌گویند فاکتورهایی برای سینما نرفتن آن‌هاست و نظراتی که درباره‌اش نوشته‌اند نشان داده‌اند پشت فیلم شما ایستاده‌اند. فیلمی که در کارگردانی ابعاد تازه‌ای از توانایی شما را هم به نمایش می‌گذارد. فیلم بعدی منتظر تایتلنیک باشیم؟

شکیبا: ایرانی‌اش می‌شود سانچی. خانم آبیاز قطعا از پس‌اش برخورد آمد.



جواد طوسی

۱۳۹۴

نفسی عمیق در گستره تاریخ

یکی از حلقه‌های مفقوده سینمای بی‌رونق ما استفاده منطقی و کاربردی از فانتزی در بخشی از تولیدات سالانه است. فیلم «نفس» به‌خوبی با فانتزی و تخیل و کودکانه‌ها به سیر تاریخ معاصر می‌پردازد. بهار یک راوی متفاوت و در عین حال بکرو جذاب است که با ذهن سیال و خیال‌پرداز و هوشمندی و کمال طلبی‌اش تصویری چشم‌نواز و در عین حال واقع‌بینانه از تاریخ معاصر این سرزمین ارائه می‌دهد؛ تاریخی آمیخته با پایمردی‌ها، سلحشوری‌ها و معصومیت‌ها، ریشه‌های سنتی که بخشی از هویت و پیکره این سرزمین است.

فیلم «نفس» نشان می‌دهد که می‌توان با رویاها و رویاپردازی در یک دنیای پاک کودکانه، به ریشه‌ها پرداخت رابطه حسی و عاطفی بهار و دو برادر و خواهر خردسال و پدر و مادر برزگش، تصویری ساده و بی‌آلایش و در عین حال هویت‌مند از خانواده ارائه می‌دهد. راوی



نفس

داشت؟
شکیبا: تصویر وجود داشت اما با صحبت‌هایی که می‌کردیم، تصمیم گرفتیم خیلی به خود شخصیت نزدیک نشوم و خیلی این تصویر را بازنمایی نکنم و به نوعی ما عبدالحمید خودمان را ساختیم.
■ با توجه به تحقیق و مطالعه‌ای که داشتی، چه جایی از زندگی این شخصیت برای تو تکان‌دهنده بود؟
شکیبا: من یک سادگی بسیار عجیب در او می‌دیدم و برایم جای سؤال بود که چرا این آدم باید در چنین مسیری قرار بگیرد؟ این نکته در ویدئوهایی که از عبدالحمید وجود دارد، بارز است.
■ خانم آبیاز، اگر بخواهید «شبی که ماه کامل شد» را به مخاطب سینمای ایران توصیه کنید فکر می‌کنید او از چه دریچه‌ای باید به جهان فیلم وارد شود؟

آبیاز: دلیلی که باعث شد من سراغ این فیلم بروم و آن را بسازم، آن است که یک چالش و سؤال در ذهن مخاطب به وجود آورد؛ چقدر ارزش دارد که یک تفکر و یک ایدئولوژی، عشق و یک رابطه زیبایی انسانی را نابود کند؟ شاید مهم‌ترین سؤال این باشد و او به فکر وادار شود

که چگونه یک نگاه، تفکر و نگرش، عشق را قربانی می‌کند.

■ خشونت موجود در فیلم نیز به دلیل تضاد با همین عشق می‌آید؟

آبیاز: دقیقاً.

■ فیلم نسبت به روال سینمای ایران، خشن‌تر است.

آبیاز: به علت بستر داستانی فیلم، چنین چیزی نیاز است. (با خنده) حداقل در فیلم «نفس» نشان داده‌ام که می‌توانم انسان رمانتیک‌تری نیز باشم.

■ هوتن تو چی؟ توصیه‌ات برای ورود به جهان فیلم برای مخاطبان چیست؟

شکیبا: فارغ از هر مذهب، نگرش و قومیتی می‌توان به این موضوع نگاه کرد و آن را از منظر فیلم ببینند: انسانیت چه می‌شود؟ این موضوعی است که بسیار دچارش هستیم. ما نیز در ابعاد زندگی خودمان روی این موضوع درپوش می‌گذاریم و آن را نمی‌بینیم. گاهی به قدری اعتقادات و ایدئولوژی را بالا می‌آوریم که انسانیت یادمان می‌رود. به نظر من باید از این منظر به فیلم نگاه کنند چون این تنها بهانه‌ای بوده که درمورد انسانیت و عشق حرف بزنیم.

شبی که ماه کامل شد

۱۳۹۷

آرش خوشخو



یک تریلر سیاسی استاندارد در معیارهای بین‌المللی که با حجم زیادی از احساس و اشتیاق کارگردانی شده است.



آنتونیا شرکا



«شبی که ماه کامل شد» ساختاری حرفه‌ای دارد. یکی از بزرگ‌ترین امتیازاتش این است که در برخورد با داستانی که می‌توانست به بیانیه‌ای سیاسی و ضد تروریستی تبدیل شود با انتخاب آگاهانه خوانشی انسانی، نه تنها فیلم را تلطیف کرده بلکه اتفاقاً با همین رویکرد زنانه، بهتر و مؤثرتر هدف رساندن پیامی ضد بنیادگرایی را تأمین کرده است. مشکل فیلم در پایان بندی آن و غلطتی است که معمولاً ترگس آبیاز به فیلم‌های ملودرام خود می‌دهد و اصرار بر پایان‌های دلخراش و تراژیک دارد. تراژدی وقتی از حد می‌گذرد کم‌اثر می‌شود.



احمد طالبی‌نژاد

«شبی که ماه کامل شد» فقط یک اثر مرعوب‌کننده است ولی قادر به بیان عمق فاجعه نیست. از نظر کارگردانی پخته‌تر از ساخته‌های پیشین ترگس آبیاز است، هرچند من همچنان «شیار ۱۴۳» را بهترین فیلم او می‌دانم.



کیوان کثیریان



«شبی که ماه کامل شد» در استانداردهای سینمای ایران کار قابل توجهی است و تلاش کرده استانداردهای فنی و تکنیکی را رعایت کند اما بخش‌هایی از فیلمنامه گرفت و گیرهایی دارد که با توجه به سابقه ادبی ترگس آبیاز انتظار بهتری از آن می‌رفت. به اعتقاد من بر پرداخت تمرکز روی شخصیت‌ها اشکالاتی وارد است بخصوص نقش عبدالحمید (هوتن شکیبا) که شخصیت پردازی‌اش خلأ دارد. همچنین در ماجراها و رویدادهای فیلم هم می‌شد تمرکز بیشتری روی فیلمنامه داشت. در جاهایی از فیلم مانند فراری دادن فائزه هم از طرف وزارت اطلاعات و هم از طرف اقوام ریگی، در اجرا و در قصه خلأ وجود دارد. با وجود این، در مجموع «شبی که ماه کامل شد» فیلم قابل قبولی است و در کارنامه فیلمسازی ترگس آبیاز به لحاظ تکنیک کام رو به جلو بلندی است. به هر حال پرداختن به این موضوع ملتهب و معاصر در کنار امکانات گسترده‌ای که فیلم داشته، شجاعت می‌خواهد.



هوشنگ گلمکانی



جلوهای دیگر از توانایی‌های حرفه‌ای فیلم‌سازی که پیش از این فقط با خلق روابط و شخصیت‌ها و فضاهای نوستالژیک زنانه و شاعرانه شناخته شده بود.



سعید مروتی



فیلم بیش از حد تحسین شده ترگس آبیاز با تمام دستاوردهایش در اجرا و هوشمندی در ساخت سر و شکل دار و کوشش برای باور پذیرکردن فیلمی سفارشی و با تمام التهاب و هیجانی که می‌سازد، در نهایت نمی‌تواند از اغتشاش ذاتی چنین درامی (منتج از تناقض خواست شخصی و نگاه رسمی) بگریزد. نتیجه فیلمی است متوسط که نسبت به «نفس»، فیلم قبلی آبیاز، گامی به پس محسوب می‌شود.



حسین معززی‌نیا



اینکه فیلم قرار است یک قصه واقعی را روایت کند درباره آدم‌های واقعی بهانه موجهی نمی‌تواند باشد برای اینکه این شخصیت‌ها، انگیزه‌شان و دلیل رفتارهای‌شان را در قالب یک روایت دراماتیک تازه بازآفرینی نکنند. من از طریق این فیلم نفهمیدم عبدالحمید چرا به نفر دوم تشکیلات برادرش تبدیل شد و نفهمیدم همسرش چرا در مقاطع مختلف متوجه وخامت اوضاع نشد و فکری برای خلاص کردن خودش نکرد. فیلمی که نمی‌تواند شخصیت بسازد، قصه‌ای را هم نمی‌تواند روایت کند و بنابراین در نقطه پایان همان جایی می‌ایستد که در نقطه آغاز ایستاده بود.

